



جزئی نگرانی نباید ما را از کل نگرانی غافل کند/ جزئی نگرانی امکان تحرک علمی را می گیرد

معاون فرهنگستان علوم اسلامی قم با بیان اینکه جزئی نگرانی نباید ما را از کل نگرانی غافل کند، گفت: بلیه جزئی نگرانی امکان یک تحرک علمی را از بشر سلب می کند و آن عبارت از یک تحول فراگیر، بنیادی و پیش برنده است.

جزئی نگرانی نباید ما را از کل نگرانی غافل کند/ جزئی نگرانی امکان تحرک علمی را می گیرد

معاون فرهنگستان علوم اسلامی قم با بیان اینکه جزئی نگرانی نباید ما را از کل نگرانی غافل کند، گفت: بلیه جزئی نگرانی امکان یک تحرک علمی را از بشر سلب می کند و آن عبارت از یک تحول فراگیر، بنیادی و پیش برنده است.

به گزارش خبرنگار مهر، مقام معظم رهبری در دیدار با دست اندرکاران کنگره بین المللی علامه حکیم قطب الدین شیرازی به بحث تخصص گرایي و نکات مثبت و منفی آن اشاره و تصریح کردند: تخصص گرایی به سبب پرداختن به وضع انسان در یک حوزه تخصصی امری خوب است اما از جهت محدود کردن انسان و ذهن او با توجه به وسعت ذهن انسان امری نامطلوب است. در گذشته حکیم و در زمان ماعلامه به کسی اطلاق می شود که در علوم مختلف صاحب نظر باشد، چگونه می توان در دوران کنونی متخصص پرورش داد که فهمی از علوم دیگر از جمله علوم انسانی داشته باشند؟ حجت الاسلام والمسلمین دکتر علیرضا پیروزمند، معاون فرهنگستان علوم اسلامی قم در پاسخ به این سؤال که تبعات و نتایج تخصص گرایی محض برای ما چیست؟، گفت: تخصص گرایی، پدیده ای است که بشر در دوران، تمدن و علم معاصر بیشتر به سمت آن حرکت کرده است، به دلیل وسعت نیازمندیهای که بشر پیدا کرده و تنوع علوم و فناوری که هر کدام به گرایشی از نیازمندیهای انسان می پرداختند اقتضاء کرده که تخصصها تنوع بیشتری پیدا کنند و جزئی تر شوند. وی افزود: این پدیده، نگاه دقیق بشر به موضوعات را به ارمغان آورده، مثلا راجع به انسان اگر یک پزشک به صورت عمومی اعضای انسان را می شناخت، اکنون به صورت جزئی تر و دقیق تر راجع به اندامهای مختلف دانشهای تخصص تری وجود دارد تا همه جزئیات این عضو مورد توجه قرار گیرد و طبیعتا طبیبی که تخصص در آن رشته همه جزئیات عوارض مربوط به آن پدیده و پیرامون را زیر تسلط دارد، چون تمحض در آن حوزه را هم دارد طبیعتا ضریب خطا نسبت به تشخیص و اقدامی که انجام می دهد کمتر می شود. این حُسنی است که این رویه در پی داشته است که به همین دلیل بسط دانش را در پی داشته و این هم خودش یک اثر مثبتی است که می توانیم در این جهت به میان بیاوریم. این محقق و نویسنده کشورمان بیان کرد: این پدیده در نقطه مقابل، نقیصه مهمی را باعث شده است به طوری که بلیه جزئی نگرانی گریبان جامعه علمی ما را فراگرفته است. بلیه جزئی نگرانی این است که هر عالم یا اندیشمند مسلط به یک علم، زمانی دانش اش دانش عالی تری محسوب می شود و رتبه علمی بیشتری برایش قائل می شوند، که علم اش جزئی تر و خاص تر شود. از طرف دیگر انباشت شدن دانش در جزئیات آنقدر زیاد شده که به طور عادی، فارغ شدن انسان را از بخش جزئی و احاطه پیدا کردن اجزای دیگر به نحو تخصصی را سلب کرده است. وی با اشاره به اینکه بلیه جزئی نگرانی امکان یک تحرک علمی را از بشر سلب می کند و آن عبارت از یک تحول فراگیر، بنیادی و پیش برنده است، تصریح کرد: نتیجه این بلیه جزئی نگرانی این می شود که سکان هدایت علم به دست جامعه علمی ای خواهد بود که قدرت طرح موضوع را دارد. قدرت موضوع سنجی بین موضوعات را دارد. قدرت جریان یک مبنا در بنای علمی را دارد. آنها هستند که می توانند هم نظام مسائلی که علم که باید به آنها بپردازد را فراروی جامعه علمی قرار می دهند ولو به صورت نامرئی جریان یک فرهنگ و بینش را در دانش هدایت کنند و آن جامعه علمی که به این بلیه مبتلا شده غافل خواهد شد از این بنیانی که علم بر او استوار است و غافل خواهد شد از این مقاصد و جهت گیری که این علم به سمت آن می رود و غافل خواهد شد از جامعه و تمدنی که از پیوند مجموع دانش و فناوری ساخته خواهد شد. پیروزمند در ادامه سخنانش با بیان اینکه در کشورهایی مثل جمهوری اسلامی که دارای یک آرمان محوری و مرکزی هستند و به دنبال تحقق ایده و آرمان خودشان در عینیت جامعه هستند، گفت: بلیه جزئی نگرانی یک مانع مهم برای تحول علمی محسوب می شود، البته نقطه مقابل عرض بنده این نخواهد بود که این نوع تخصص گرایی با کیفیتی که وجود دارد کلا مطرود است و باید نادیده گرفته شود یا دنبال نشود. ممکن است یک عده ای هم همین نوع دانش را مجهز شوند و کاربردهای خودش را هم دارد. وی تأکید کرد: صحبت بر سر این است که جزئی نگرانی نباید ما را از کل نگرانی غافل کند، صحبت این است که جزئی نگرانی باید باعث شود که متخصص عالی رتبه علمی را به فردی بگوئیم که جزئی تر می اندیشید و ارزشگذاری علمی را بر این اساس بکنیم، بلکه دانشمندی که قدرت اندیشه بین رشته ای دارند و قدرت جامعیت علمی که بتواند هماهنگ سازی بین حوزه های گسترده تری از علم را در اختیار بگیرد، آنها را تغییر می دهند و به استدلال اینکه شما سواد ندارید و کسی که راجع به تعداد بیشتری از موضوعات صحبت می کند دلیل بر بیسوادی اوست و چون بیسواد است صلاحیت سخن گفتن ندارد، این پدیده معیوبی است که الان در کشور ما هم به وجود آمده است. بنابراین عرض بنده نفی آن تخصص گرایی است که در جای خود در آینده هم کارسازی دارد اما عرض بنده تکمیل این پدیده است که باید یک نگاه کل گرایانه ای وجود داشته باشد. معاون فرهنگستان علوم در ادامه سخنانش اظهار داشت: اتفاقا در دانش غرب شاهد این هستیم، ولو اینکه تخصص گرایی خود یک پدیده وارداتی است ولی در جامعه غرب مشاهده می کنیم که خود آنها یک سیر قهقرایی را از این جهت، تجربه می کنند به این معنا که روی آوردن به دانشهای بین رشته

ای یکی از قراینی است برای بازگشت از مسیر و پیشگیری از افراط در این معنا. شکل گرفتن حلقه ها و گروه های علمی متشکل از تخصصهای مختلف در دانشهای معتبر نشان دهنده این است که به این نقیصه پی بردند و سعی در رفع آن به این کیفیت دارند. وی با اشاره به اینکه شکل دادن آکادمیها و تعقیب کردن آکادمی ها بالا دست دانشگاه ها گواه بر این است که توجه به این دارند که لایه ای از علم که از کاربرد و جزئیات فاصله دارد باید مورد اهتمام قرار بگیرد و دانش او در گرایشها و تخصصهای مختلف تعقیب شود، گفت: منتها اگر کسانی تقلید از رویه غرب را لازم و موفق بدانند، حداقل این است که به این نوع تجربه های انجام گرفته در غرب هم توجه کنند. وی در پایان سخنانش تأکید کرد: به هر حال به نظرم حداقل با توجه به نیاز عمومی و اسلامی کشور در تحول علمی به دلیل اینکه جمهوری اسلامی می خواهد به سمت تمدن نوین اسلامی حرکت کند این امکان وجود ندارد، مگر اینکه دانش متناسب با این را در اختیار بگیرد و این دانش نمی تواند با نگاه تجزیه ای و جزیره وار تولید شود این دانش باید در یک پیوستار هماهنگ با هم طراحی، تولید و به کار گرفته شود تا ما را به مقصد برساند و این مستلزم یک نوع کل گرایی در مقایل تجزیه گرایی که در قالب تخصص گرایی در جامعه ما بسیار رواج یافته است.